بیایید مانند زنبور عسل باشیم

فلنکن کالنحلة





استاد احمد فاروق

رحمه الله تعالی

بیایید مانند زنبور عسل باشیم

نویسنده: استاد احمد فاروق رحمه الله تعالی

نایب امیر القاعده در شبه قاره ی هند

مترجم: حامد بهزادی



کاری از کانال رحمت

بسم الله الرحمن الرحیم

بخش تولید رسانه‌ای نهاد "السحاب" تقدیم می‌کند:

این مقاله نصیحتی صمیمانه به برادران مجاهد است در رابطه با فتنه‌هایی که اخیرا در میادین جهاد رخ داده است.

الحمدلله والصلاة و السلام علی رسول الله و بعد:

تقدیم به دوستانی که در خط مقدم جهاد مشغول حفظ و حراست از قلعه شامخ اسلام هستند و در مقابل ناملایمتی‌های مادی و معنوی و هنگام جنگ صبور و شکیبا هستند و جان‌های خود را در راه خدا تقدیم می‌کنند.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته:

در حدیثی با سند "حسن" از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده است که فرمود: (مثل المؤمن مثل النحلة، اذا اکلت اکلت طیبا و ان وضعت وضعت طیبا وان وقعت علی عود نخر لم تکسر) یعنی: (مؤمن همانند زنبور عسل است که اگر بخورد چیزهای پاک و پاکیزه میخورد و اگر تولید کند چیزی پاک و پاکیزه تولید می‌کند و اگر روی شاخه پوسیده بنشیند آن را نمی‌شکند)

هزاران درود و سلام بر پیامبر و محبوبمان محمد صلی الله علیه و سلم باد.

که در یک جمله کوتاه وپر معنی، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمنان را برای ما بر شمرد. و مهم‌ترین تذکری که این حدیث به ما می‌آموزد این است: مؤمنی کامل که ویژگی‌های والا در او رشد کرده نسبت به کارهای خیر و نیکی حریص است. سودمندی‌اش زیاد و آزار و اذیتش

کم است و از ظاهر و باطنش جز کارهای خوب و شایسته تراوش نمی‌کند و وجودش رحمتی برای این جهان و سودمند برای همه مخلوقات است.

لذا انسان مؤمن از چندین جهات شبیه زنبور عسل است:

همان طور که زنبورعسل از ناپاکی‌ها دوری می‌کند، انسان مؤمن نیز از رذیلت و کارهای بیهوده و پست، کناره‌گیری می‌کند. همان گونه که از داخل شکم زنبور، عسل نوشیدنی سودمند و رنگارنگ که مایه شفای مردم است خارج می‌شود مؤمن نیز تمام سعی وتلاش خود را به کار می‌بندد تا جز سودمندی برای مردم، نقش دیگری نداشته باشد. و این تنها بدان خاطر است که مؤمن می‌داند که او یکی از افراد برترین امتی است که به نفع مردم پدید آمده است. یعنی:خداوند امت اسلام را آورد تا آنها را از تاریکی‌های جاهلیت درآورد و به نور شریعت الهی داخل کند.

انسان مؤمن در تواضع و فروتنی و بی‌آزاربودن، شبیه زنبور عسل است و همان طور که زنبورعسل (اگر بر روی شاخه پوسیده بنشیند آن را نمی‌شکند) مؤمن هم به این صورت در مقابل برادران مؤمنش فروتن و مهربان وخوش برخورد است زیرا همانند زنبورعسل هیچ آسیبی به آنها نمی‌رساند ودر مقابلشان فروتن و مهربان است و بدون هیچ حقه و فریبی، خیرخواه آنها می‌باشد.

پس ای دوستان عزیز بیایید همانند زنبورعسل باشیم واگر نتوانستیم چنین باشیم پس حداقل مانند درخت نخل(خرما) باشیم زیرا درخت نخل هم شگفت آور است.

در حدیث صحیحی که از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده است رسول الله صلی الله علیه و سلم مثال دیگری در بیان حال مؤمن زده است که فضیلت آن کمتر از مثال اول نیست؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: (مثل المؤمن مثل النخلة ما اخذت منها من

شیء نفعت) یعنی: (مؤمن مانند درخت خرما (نخل) است که هر چه از آن بگیری به کارت می‌آید)

درخت خرما ویژگی خاصی نسبت به سایر درختان دارد زیرا میوه‌اش در تمام مراحل از لحظه خروج از پوسته تا زمانی که خشک می‌شود قابل استفاده و خوردن است؛ و حتی چوب و برگ و شاخه‌ها و هسته‌هایش در اشکال دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و علاوه بر آن، زیبایی پوشش گیاهی و میوه‌هایش و آرامشی که در سایه‌اش وجود دارد سودمندی آن را دو چندان می‌کند...از این رو انسان مؤمن باید مصداق زنده و حقیقی حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم باشد. رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: (أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّه تَعَالَى أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ , وَأَحَبُّ الأَعْمَال إِلَى اللَّه تَعَالَى سُرُورٌ تُدْخِلُهُ عَلَى مُسْلِمٍ , أَوْ تَكَشِفُ عَنْهُ كُرْبَةً , أَوْ تَقْضِي عَنْهُ دَيْنًا , أَوْ تَطْرُدُ عَنْهُ جُوعًا , وَلأَنْ أَمْشِيَ مَعَ أَخٍ فِي حَاجَةٍ أَحَبُّ إِلَيّ مِنْ أَنْ أَعْتَكِفَ فِي هَذَا الْمَسْجِد يَعْنِي مَسْجِدَ الْمَدِينَةِ شَهْرًا , وَمَنْ كَفَّ غَضَبَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ , وَمَنْ كَظَمَ غَيْظَهُ وَلَوْ شَاءَ أَنْ يُمْضِيَهُ أَمْضَاهُ مَلأَ اللَّهُ قَلْبَهُ رَجَاءً يَوْمَ الْقِيَامَةِ , وَمَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ فِي حَاجَةٍ حَتَّى يَتَهَيَّأَ لَهُ أَثْبَتَ اللَّهُ قَدَمَهُ يَوْمَ تَزُولُ الأَقْدَامِ و إِنَّ سوءَ الخُلقِ يفسد العملَ كماَ يفسد الخلُ العسلَ)

یعنی: (محبوب‌ترین افراد نزد خداوند سودمندترین آنها به مردم هستند و بهترین کارها و محبوب‌ترین آنها نزد خداوند شاد کردن یک مسلمان یا برطرف کردن گرفتاری از او یا پرداختن قرض او و یا سیر نمودنش است و اینکه با برادری به دنبال برآورده کردن نیازش باشم برایم خوشایندتر از این است که یک ماه در این مسجد(مسجدالنبی) اعتکاف کنم و هر کس خشم خود را بازدارد خداوند آبرویش را حفظ می‌کند و هر کس خشم خود را فرو بخورد در حالیکه می‌تواند آن را اعمال نماید و بروز دهد در روز قیامت قلبش را پر از امید و رضایت می‌گرداند و کاری می‌کند که راضی شود و هر کس با برادرش به دنبال رفع نیاز او برود تا اینکه برایش آماده کند خداوند در روز قیامت که قدم‌ها خواهند لرزید او را ثابت قدم خواهد کرد؛ و بد اخلاقی عمل انسان را از بین می‌برد همان طور که سرکه عسل را فاسد می‌کند).

خداوند این ویژگی‌های والا و آن اخلاق پسندیده را روزی‌مان کند آمین.

برادران عزیز :

از میان مردم هیچ کس همانند مجاهدان مشمول این اخلاق پسندیده نیستند زیرا آنها برای گسترش و اعلای کلمه توحید که به خاطر آن جن و انس آفریده شده و پیامبران فرستاده شده و کتاب‌ها نازل شده‌اند به پا خواسته‌اند و آنها از با ارزش‌ترین گوهر جهان هستی و بزرگ‌ترین اصل دین ما و سایر ادیان آسمانی- یعنی لا اله الا الله- دفاع می‌کنند و حرکت آنها یکی از عبادت‌های بزرگ در اسلام است زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد جهاد می‌فرماید:(ذروة سنام الجهاد) یعنی: (جهاد در راه الله تعالی بالاترین نقطه قله اسلام است)

از این‌رو کسانی که پا به این عرصه مهم می‌گذارند باید به حجم مسئولیت و حساس بودن مقام و بزرگی و منزلت آن آگاه باشند و بر این اساس اخلاق خود را به درجه والایی که شایسته و در خور حالشان است، رشد و ترقی دهند....زیرا آنها مسئولیت وظیفه پیامبران که دعوت مردم به سوی حق و حقیقت بود را بر عهده گرفته‌اند....آن وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر است و حق این وظیفه جز با تأثیرپذیری و الگو برداری از اخلاق رسول الله صلی الله علیه وسلم که مورد مدح و تمجید پروردگارش قرار گرفته ادا نخواهد شد. خداوند می‌فرماید: (وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ) یعنی: (-ای پیامبر- شما دارای اخلاق بسیار بزرگ -نیکو پسندیده- هستی) و در جایی دیگر این چنین او را مورد مدح و تمجید قرار می‌دهد: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ) یعنی: (بدون شک پیامبری از خود شما نزدتان آمده است هر سختی و رنج و دشواری که به شما روی می‌آورد برایش دردآور است. نسبت به ایمان آوردن شما حریص و برای مؤمنان دارای محبت و بسیار مهربان است) التوبة/128

و دلسوزی او را نسبت به حال مردم و هدایت یافتنشان این چنین توصیف می کند: (طسم (1) تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (2) لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ) یعنی:(طا سین میم"1" این سوره بخشی از – آیات – قرآن است که بیانگر اعتقاد و احکام صحیح است"2" مثل اینکه می‌خواهی خود را از ناراحتی آنکه ایمان نمی‌آورند از بین ببری"3") الشعراء1-3

پس مجاهدان نیز باید یا مانند زنبور عسل و یا مانند درخت خرما(نخل)باشند و برای منافع اخروی مردم و رستگاریشان تلاش کنند و جز نیکی و خیر از آنها تراوش نکند با کافران بجنگند و آن حدیث مهم و بزرگ را که رسول الله صلی علیه و سلم به پسر عمویش سرور شجاعان سیدنا علی بن ابی طالب رضی الله عنه سفارش کرد را همواره در خاطرشان داشته باشند. که هنگام حرکتش برای مبارزه با یهودیان خیبر فرمودند: (فوالله لان یهدی الله بک رجلا واحدا خیر لک من حمر المغم) یعنی :(– ای علی– سوگند به الله که اگر خداوند یک نفر را به دست تو هدایت کند برایت از شتران سرخ موی بهتر است).

آری مجاهدان باید این چنین باشند علیرغم اینکه زندگیشان با خون و تکه‌های جدا شده بدن و شمشیرها آمیخته شده است و در کوه‌های خشن وغارها زندگی می‌کنند اما قلب هایشان نرم ترین قلب‌ها باشد که برای امت عزادارشان می‌تپید وبه حالشان ناراحت باشد...و نیز مانند صحابه به سود رسانی به امت و حتی هدایت کافران به سوی حق وحقیقت و راهنمایی‌شان به سمت خیر عشق بورزد. وآنها را از خطرناک بودن رهپویی مجرمان آگاه کند.

برادران خدایی و ایمانی من:

این همان دینی است که ما از طریق قرآن و سنت و سیرت صحابه کرام و کتاب‌های سلف صالحمان آموخته‌ایم. و این شیوه‌ای است که ما از بزرگان حرکت جهادی معاصر و امیران

وعلمایشان فرا گرفته‌ایم. واگر بخواهیم در اینجا به طور خاص از آنها نام ببریم می‌توانیم به عالم عامل و احیاکننده فریضه فراموش شده شیخ عبدالله عزام رحمه الله و امیرالمؤمنین و سنبل کرامت و عزت اسلامی، ملا محمد عمر مجاهد – رحمه الله – شهید امت و شکست دهنده آمریکا شیخ اسامه بن لادن– رحمه الله – حکیم امت شیخ ایمن الظواهری– حفظه الله – و شیخ شهید دقیقی ابو یزید – رحمه الله– و شیخ مجاهد دعوتگر و پرورش دهنده عطیة الله اللیبی و عالم و امیر بی‌نظیر شیخ ابو یحیی اللیبی – رحمه الله – و عالم مجاهد شیخ ابواللیث القاسمی رحمه الله و شیخ اسیر ابو قتاده فلسطینی که پایداریش همچون کوه‌ها زبانزد است و شیخ اسیر ابو محمد المقدسی حق گو و شیخ مجاهد و خطیب سخنور و دعوتگر بی نظیر استاد محمد یاسر افغانی و و شیخ مجاهد و صاحب مهارت‌های گسترده و استعدادهای منحصر به فرد ابو مصعب السوری که خداوند از بند اسارت آزادش کند و شیخ دانشمند و فقیه و قاضی ابوولید فلسطینی – حفظه الله – و شیخ عالم ربانی منصور الشامی رحمه الله و شیخ دعوتگر انور العولقی رحمه الله و بسیاری از کسان دیگر که خداوند افتخار همنشینی را با برخی از آنها و استفاده از کتاب‌ها و سخنوری‌ها و راهنمایی برخی دیگرشان را به ما داده است ، اشاره کنیم؛ خداوند نهایت خیر و برکت را به آنها عنایت کند که راه را برای ما روشن کردند و خلاصه‌ایی از تجارب چهل سال یا بیشتر از تلاش‌های دعوتی و جهادی را برای ما بازگو نموده‌اند و ما را از تکرار اشتباهاتی که در گذشته رخ داده ونتایج ناگواری به جا گذاشته است برحذر داشته‌اند! و ما را از اسباب پیروزی و رستگاری و عوامل شکست و ناکامی آگاه ساخته‌اند وعملکرد آنها برای ما درسی قبل از گفتارشان بود...ما در عملکرد و جهاد آنها و دعوتشان و در کتاب‌ها و تألیفاتشان فهم صحیحی از اسلام مشاهده کردیم...فهمی که یک تصویر حقیقی از تعالیم اسلام عرضه کرد و اسلام را با همه قدرت و شفافیت و صلابت آن به همراه آسانی و اعتدال و زیبایی‌اش به

تصویر کشیدند...بهترین همنشینی، همنشینی با آنها و بهترین دوستی دوستی با آنان است. خداوند کشته شدگان آنان و کشته شدگان مسلمانان را از جمله شهدا قرار دهد و زندگان را ثابت قدم گرداند و عاقبت همه ما و آنها را ختم به خیر کند.

اما دوستان عزیز ما در سال‌های پر از فریب و نیرنگ به سر می‌بریم که انسان به خاطر کارهای خوبش مجازات و به خاطر معایبش مورد مدح و تمجید قرار می‌گیرد متأسفانه ما همین وضعیت را با افرادی داریم که هیچ عیبی در ما پیدا نکردند مگر اینکه:

1- ما امت سوگوار خود را دوست داریم و بال‌های خود را بر آن گسترده‌ایم و خیر خواهشان هستیم و می‌خواهم به دین خداوند به طور کامل برگردند و با جهادمان علیه کافران می‌خواهیم پشتیبانی آنها را بعد از پشتیبانی خداوند متعال کسب کنیم و جهت تحقق این امر هم از اسباب مشروع که شریعت اسلام بدان راهنمایی کرده استفاده می‌کنیم اما یکی از معترضان که خداوند هدایتش کند نظرش این است که یکی از بزرگ‌ترین اشکالاتی که منهج جماعت القاعده دارد این است که منتسب شوندگان به آنها (می‌خواهد کاروان خود(جماعت القاعده) را ملحق به کاروان امت قیام کننده و انقلاب‌گر کند)...سبحان الله. آیا این کار فضیلت است یا رذیلت؟

2- ما تکفیر کردن را یک حکم شرعی بسیار مهم می‌دانیم زیرا این امر اسلام و نشانه‌های آن را حفظ می‌کند و میان اسلام و کفر جدایی می‌اندازد و از کوچک‌ترین معاشرت در بین اسلام و کفر جلوگیری می‌نماید. اما در عین حال از زیاده روی در تکفیر بر حذر می‌داریم و بر ضرورت احتیاط در تکفیر که از سلف صالح مان به ما رسیده است تأکید می‌کنیم! و چنین احکام حساسی را به هر فرد عامی جاهل، که الفبای علوم شرعی را نمی‌داند یا طلبه‌ای که اندکی از علوم دینی را فرا گرفته، موکول نمی‌کنیم که احکام شرعی را بدون تطبیق ضوابط شرعی که

از سوی علماء تدوین شده‌اند بر هر کس و به هر شیوه‌ای که بخواهد اعمال کند و به خاطر این احتیاط لازم و دقت پسندیده برخی از افراط گرایان ما را متهم به ارجاء می‌کنند؟؟؟؟! همان طور که مرجئه‌ها ما را به خاطر تعهد به قسمت اول متهم به افراط گری می‌کنند شکایت خود را از این بهتان و سخنان دروغ به خداوند می‌بریم.

3- قدر و منزلت علمای امت را می‌دانیم و آنها را دوست داریم و به آنها احترام می‌گذاریم و معتقد هستیم که آنان رهبران حقیقی این امت هستند. و امت را دعوت می‌کنیم تا دور آنها جمع شوند و همچنین معتقد هستیم که اصلاح امت و بازگشت آن بسوی هدایت و مراتب بالای عزتش در سایه اجتماع علما و مجاهدین محقق خواهد شد و معتقد هستیم که باید شکاف و جدایی در بین این دو طایفه از میان برداشته شود.

از این رو سعی می‌کنیم تا در مورد علما به صورت عام و کلی صحبت نکنیم و اگر در مواردی بنابر مصلحت شرعی تشخیص دادیم تا یکی از علمای گمراه و گمراه‌گر را مورد نقد قرار دهیم تنها در مورد خود آن شخص سخن می‌گوییم و گمراهی‌های او را برای مردم بیان می‌کنیم و امت را از پیروی او باز می‌داریم و به پیروی از علمای ربانی راهنمایی‌شان می‌کنیم و هرگز آنها را به پیروی از نیمچه علما یا وبلاگ نویسان مجهول اینترنتی معرفی نمی‌نماییم.

متاسفانه برخی از کسانی که منتسب به جهاد هستند با گفتار و کردار خود رابطه ی علما و مجاهدین را به هم می‌زنند و در مهم‌ترین گرفتاری‌ها و مصیبت‌های عصر و خطرناک‌ترین بخش‌های علم با کمبود بضاعت علمی- یا بهتر است بگوییم با جهل بیش از حد- بر روی نظر خودش پافشاری می‌کند! آن را بعنوان نظر صحیح به دیگران تحمیل می‌نماید و به سبب اختلافات اجتهادی، بدون کوچک‌ترین تردید، علمای ربانی را که در صداقت و پایداری و حق

گویی و فداکاری به خاطر کلمه ی (لاإله إلا الله) زبانزد هستند را رد می‌کنند و گاها از روی هوای نفس عبارت‌های غیر مؤدبانه در مورد این علمای بزرگ به کار می‌برند که این بیانگر فساد قلبی گویندگان چنین الفاظی است تاجایی که دو شیخ اسیر، ابوقتاده فلسطینی و ابومحمد المقدسی- خداوند آنها را از بند اسارت آزادشان کند- و حتی حکیم امت شیخ ایمن الظواهری حفظه الله از زبان تند و تیز آنها در امان نمانده‌اند همانطور که علمای معروف دیگر از علمای امت از شر زبانشان نجات نیافته‌اند.

4- با تمام قوا برای جلوگیری از ریخته شدن خون مسلمانان تلاش می‌کنیم و به هر قطره خونی که مظلومانه ریخته می‌شود دردمند می‌شویم و جز از روی دلسوزی به حال مسلمانانی که در خفقان هستند و جز برای دفاع از دین و ناموس و جان و مالشان از خانه‌هایمان خارج نشده‌ایم و معتقد هستیم که ریختن خون مسلمانان قطعا حرام است و این تحریم جز با دلایل قعطی و شفاف مانند شفافیت خورشیدی که هیچ ابر و غباری بر آن نیست از بین نمی‌رود از این رو شدیدا از ریختن خون مسلمانان براساس توجیهات پوچ یا با بسط دادن موضوع ترس بدون تطبیق احکام شرعی آن در کتاب علمای معتمد درج شده است و یا با وارد کردن اتهامات بی‌اساس و بی‌دلیل و یا به خاطر اینکه چون به یک جماعت جهادی بیعت نداده پس جزو امت نمی‌باشد و بعنوان یک باغی و خارجی کشتنش حلال است، برحذر می‌داریم.

5- مراعات اوضاع بسیار سخت و اسفناکی که در دوران گذشته- و حال- بر امت عزیزمان سایه گسترده است، امری ضروری می‌باشد که از جمله ی این حوادث می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از بین رفتن خلافت اسلامی، ظلم و ستم سیستم حکومت‌های مرتد در حق امت اسلام، دور کردن عمدی مسلمانان از دینشان، مقرر کردن برنامه‌های درسی بر اساس تفکر لائیکی جهت تربیت نسل‌های آینده بر مبنای اعتقادات فاسد و مفاهیم مخالف با شریعت اسلامی

شریف، مجبور کردن امت به زور اسلحه برای به زیر بار رفتن در مقابل قوانین بشری که بدون هیچ دلیلی از سوی خداوند وضع شده‌اند، ایجاد فشار بر دعوتگران و علما، تا از گفتن حق و حقیقت خودداری کنند و احکام شریعت را به صورت حقیقی به اطلاع مردم نرسانند.

مجموعه ی این عوامل دست به دست هم داده‌اند تا اینکه جهل در جوامع ما منتشر شده و مسلمانان بسیاری از احکام شریعت را ندانند لذا در نظر گرفتن همه این موارد ما را ملزم می‌کند تا با امت‌مان خوش برخوردتر و محبت آمیزتر باشیم و دایره ی عذر پذیری را بیشتر باز کنیم و تمام تلاش خود را جهت بازگشت آنان به دینشان مبذول کنیم و با صبر و حوصله ی بیشتر و پله پله بسوی الله دعوتشان نماییم. اما امروز کسانی را می‌بینیم که دایره اسلام و پیوند ایمانی را بسیار تنگ کرده،اند و به شیوه تحقیرآمیز با امت برخورد می‌کنند و به جای دعوت و اصلاح امت، در کمین اشتباهات آن می‌نشینند و یک دفعه به آن یورش می‌آورند و همچنین همه ی کسانی که مجاهدین را به خوش رفتاری با امت توصیه می‌کنند را ناسزا می‌دهند و در حال شگفتی می‌گویند (به کدام امت برگردیم؟ امت اسلام سعودی؟ یا اخوانی؟ یا سروری؟ یاوحزب الأمۀ کویتی؟... بسیار عجییب است که یکی از آنها بگوید: به امت برگردید! اگر از او بپرسی کدام امت؟ امت اخوانی، سلفی، جامی، صوفی، القاعده؟ این امتی که باید به آن برگردیم کدام است؟) پناه برخدا از این تفکر کج و نادرست!

6- هدف ما جمع کردن امت، دور موضوعات اصلی است که از مهمترین آنها متمرکز شدن برجهاد با سر مار افعی، آمریکا و دست پروردهداش اسرائیل می‌باشد و همچنین جهاد کردن با کفار جهت آزاد نمودن سرزمین‌ها و مقدسات مسلمانان است زیرا معتقد هستیم که زوال سلطه آمریکا به اذن خدا منجر به فروپاشی سیستم مرتد هم پیمان غرب که حاکمیتشان براساس غیر شریعت خداوند است خواهد شد و در نتیجه مسلمانان از بند تقسیم بندی‌های نژادی و کشوری

با مرزهای جغرافیایی ساخته شده از سوی کفار رهایی خواهند یافت و همگی تحت یک خلافت و دریک سرزمین اسلامی متحدانه در کنار هم خواهند زیست. از این رو از هرگونه حرکتی که بخواهد قطب نمای جهاد را به سمت جنگ،های جانبی بکشاند و نیروی مجاهدان را صرف درگیری‌های فرعی کند به شدت برحذر می‌داریم و از شما می‌خواهیم تا درمسیری که رهبران مجاهدین- که در رأس آنها شیخ شهید أسامه بن لادن رحمه الله- براساس تجارب سال‌های طولانی و بررسی عمیق در راستای منافع امت ترسیم کرده‌اند حرکت و پایداری بورزید تا با پیمودن آن، مسیر را به پایان برسانیم و به یاری و توفیق خداوند به اهداف مورد نظرمان دست پیدا کنیم.

7- معتقد هستیم که دعوت دادن به سوی خداوند و جهاد در راه خدا، دو برادر دوقلو هستند که باهم درحال حرکت‌اند و هرگز از هم جدا نمی‌شوند و هردوی آنها عبادت‌های بزرگ و مهمی هستند که هریک از آنها دارای فضیلت و احکام و اصول مربوط به خودشان است و در بین آنها تعارض و تضاد وجود ندارد بلکه مکمل همدیگرند و هر دوی آنها حول محور توحید در گردش‌اند لذا دعوت ما، دعوت به سوی لا إله إلا الله، و جهادمان دفاع از لا إله إلا الله است ومعتقد هستیم که ما در آن واحد هم دعوتگر و هم مجاهد هستیم و به این مسأله افتخار می‌کنیم و معتقد هستیم هیچ حرکتی نمی‌تواند در تغییر دادن این نظام جاهلیت مسلط بر گردن امت ما به پیروزی برسد مگر با چنگ زدن به این دو عبادت بزرگ و به کارگیری همه احکام شریعت بر حسب احکام و مراتبی که در کتاب‌های فقهی بیان شده‌اند و از تحقیر کردن هرگونه عملکرد دعوتی، موافق با چهارچوب شریعت و یا متناقض دانستن بین دو عبادت(دعوت و جهاد) به شدت برحذر می‌داریم.

8- بر دارا بودن فقه سیاست شرعی برای مجاهدان تأکید می‌کنیم و معتقد هستیم که حرکات جهادی غالبا در شرایطی نیازمند تعامل و رایزنی با قومیت‌های گوناگون و دولت‌های مختلف و ملت‌های متفاوت خواهند بود و سازش با محیط، به اقتضای اوضاع و حوادث موجود تغییر و تحول می‌یابد. از این رو معتقد هستیم تا مجاهدین و طلاب علم و امیرانشان- هریک برحسب رتبه و مسئولیت و طبیعت کارش- احکام سیاست شرعی را به خوبی یاد بگیرد و دانش مربوط به اولویت بندی و تشخیص مصلحت‌ها از مفسده‌ها رابیاموزد زیرا غالبا فقه جهاد، فقه مصلحتی است و بر رعایت کردن مصلحت‌ها و دفع مفاسد متکی است و هر حرکت جهادی که این بخش از علوم دینی را خوب فرانگرفته باشد و به احکامش آشنا نباشد بیشتر مواقع در جنگ شکست می‌خورند و در محقق کردن اهداف بزرگ‌تر جهاد ناکام می‌مانند حتی اگر در برخی از جنگ‌های اطرافشان پیروز شوند.

حرکت‌های جهادی از یک ایالت کوچک به ایالت بزرگ‌تر پیشروی می‌کنند اما اگر اعضای خود را با فقه سیاست شرعی تربیت نکنند و برداشت‌ها و چشم‌اندازهای آنان را وسیع نکنند و شیوه برخورد با مردم –با پیش زمینه‌های فکری گوناگون و مقام‌های مختلف- را به آنان یاد ندهند و این باور در ذهنشان مستقر نشود که: در یک حرکت سیاسی تحقق همه ی اهداف، هدف نیست بلکه باید خوب بنگرند که مصلحت راجحی که اهدافشان را محقق می‌سازد کدام است؟ و چه مفاسدی ممکن است بر آن مترتب شود پس این باور آنها را در شناخت و تشخیص بهترین مصلحت و کمترین ضرر راهنمایی می‌کند و اگر این تربیت و باور به آنها آموزش داده نشود مجاهدان اشتباهات سیاسی بزرگی را مرتکب خواهند شد و دشمن به راحتی خواهد توانست تا حرکت را در سطح اهداف بزرگش برباید و متأسفانه برخی فرق بین سیاست شرعی جهت حفاظت از منافع دین و سازش کاری به اسم دین را نمی‌دانند و برخی از روی ناآگاهی

و بی‌علمی از این بخش بزرگ دین معتقدند که مجاهدان باید هر حرفی را همه جا بزنند و هرکاری را که باعث تحریک مردم روی زمین برعلیه آنها می‌شود و برتعداد دشمنانشان می‌افزاید و از تعداد دوستان و بی‌طرفانشان کم می‌کند انجام دهند و برخی نیز - به خاطر بی علمی در مورد سیاست شرعی- گمان می‌کنند که مجاهدان باید تنها با لهجه‌ای صحبت کنند که طیف محدودی از افراد مجتمع آن را می‌فهمند و با شیوه‌ای با آنها برخورد کنند که منجر به نفرت انگیزی ملت‌ها از آنان و انزوا گرفتن امت‌ها از آنها گردد و... پس می‌پندارند که این روش دلیل بر محکم بودن اعتقاد و پاک بودن منهجشان است اما نمی‌دانند که این روش بیانگر کم علمی و تنگ نگری آنها و دور شدن آنها از اسلام (توحیدی آسان) است که آخرین پیامبر خداوند- سیدنامحمد- صلی الله علیه و سلم بر آن برانگیخته شد اما برخی از پیروانش راهی را در پیش گرفته‌اند که امت‌های سابق از غلو و افراط در پیش گرفته بودند و بدون فرمان خداوند تکالیف طاقت فرسا و سخت برای خودشان ایجاد کرده بودند که در نهایت منجر به هلاکتشان شد: از گزند این راه مهلک به خداوند پناه می‌بریم.

9- بر ضرورت آراسته شدن به ادب اختلاف تأکید می‌کنیم و در این میان، مجاهدان واجب‌تر از همه ی مردم به یادگیری این بخش هستند! زیرا آنها بیشتر از دیگران در معرض اختلاف مخالفین قرار دارند از این رو باید بدانند که همه ی مخالفان یکسان نیستند بلکه دارای درجات متفاوتی از یکدیگر هستند و باید همه ی تفاوت‌ها را هنگام برخورد با آنها بسنجند و باید بدانند که انسان مؤمن نباید شرط انصاف را در اختلاف فراموش کند و در گواهی دادن خداوند را در نظر بگیرد و از روی دادگری گواهی دهد حتی اگر برعلیه خودش یا پدر و مادرش و خانواده‌اش باشد و باید بدانند که انسان مؤمن باید از اخلاق والایی برخوردار باشد و ناسزادهنده و نفرین کننده و بد دهن نباشد و نباید هنگام مشاجره فحش و ناسزا بگوید حتی اگر مشاجره با کافران

و مرتدان باشد و باید یقین داشته باشند که قدرت در دلیل است و نه در ناسزاگویی و تخریب شخصی طرف مقابل.

10- بر ضرورت پایبندی مجاهدان بر احکام اسلام قبل از دیگران تأکید می‌کنیم تا در اصلاح کردن آنها بعنوان الگو باشند طوری‌که در بینشان- اعم از کوچک و بزرگ و قوی و ضعیف- بعنوان یک الگوی صالح در رعایت احکام و حدود الهی شناخته شوند و زبانزد آنها در اجرای کامل احکام شرع باشد زیرا منطقی نیست که حاملان پرچم شریعت از کسانی باشند که خود در اجرای احکام شرع کوتاهی می‌کنند و یا هرگاه حکمی موافق با هوای نفسشان نشد آن را دور بزنند و از آن صرف نظر کنند... نخیر؛ این هرگز در شأن و منزلت مجاهدین نیست!

اما با تأسف و اندوه فراوان برخی از طرف‌ها وجود دارند که در درگیری‌ها و اختلافاتشان با سایر مجاهدین به سوی محاکم شرعی دعوت شده‌اند تا براساس شریعت خداوند در بینشان حکم شود اما با توجیهات بی پایه و اساس که سست‌تر از خانه ی عنکبوت هستند از حضور، شانه خالی کرده‌اند. از خداوند می‌خواهیم تا آنها را به خوبی به سوی حق و حقیقت راهنمایی کند.

11- معتقد هستیم که اصل شورا یکی از مهم ترین اصول نظام اسلامی است که بر مبنای حاکمیت شرعی باشد و انتخاب حاکم واجد شرایط حق امت و بخصوص نخبگان شرعی(اهل حل و عقد) آن است و تخلف در این امر را جایز نمی‌دانیم زیرا نصوص زیادی در تاکید اصل مشورت برای انتخاب حاکم وارد شده است و آثار زیادی نیز در نکوهش شدید کسی که(بدون مشورت مسلمانان با فردی بیعت کند) نیز وجود دارد.

ما معتقد هستیم که جهاد ما جهت از میان برداشتن موانعی است که بین مسلمانان و انتخاب آنها برای برگزیدن حاکمی که بر اساس شریعت الله حکم کند حائل شده است و ما برای این جهاد نمی‌کنیم که با شمشیر بر امت حکومت کنیم بلکه به این خاطر جهاد می‌کنیم تا شریعت پاک اسلام بر ما و امتمان حاکم باشد.

از این رو به جماعت‌های جهادی توصیه می‌کنیم تا قبل از هرگونه اعلام دولت و امارت، با جماعت‌های جهادی دیگر که در این راه سابقه فداکاری دارند مشورت نمایند و همچنین در راستای این امر با علما و دعوتگران مخلص و بزرگان صالح قوم مشورت کنند و به آنها توصیه می‌کنیم تا در برابر برادران مسلمانشان متواضع و فروتن باشند و در جهت تحقق وحدت و یکپارچگی امت آمادگی صرف نظر از پست و مقام خود را داشته باشند.

12- معتقدیم که شتاب و عجله در اعلام دولت و امارت قبل از مهیا شدن پایه و اساس ضروری آن جایز نیست زیرا شریعت براساس نام‌ها حکم نمی‌دهد بلکه به اعتبار ماهیت حقیقی و معانی آن حکم صادر می‌کند لذا نباید در نام گذاری جماعت‌های نامقتدر به عناوین دولت و امارت شتاب کرد زیرا تجربه‌های مکرر ثابت کرده‌اند که جماعت‌هایی که در سایه جهانی شدن و سلطه نظام بین‌المللی جاهل و قدرتمند به قدرت و اقتدار نسبی می‌رسند در حقیقت- در مقایسه با آن- نامقتدر است و نمی‌تواند از اصول و مرزهای خود دفاع کند و در نتیجه قدرت دفاع از اتباع خود را هم ندارد و غالبا در تأمین ضروریات زندگی روزمره میلیون‌ها نفری که در زیر پرچمشان زندگی می‌کنند عاجز و ناتوان می‌مانند و بلافاصله در اثر حملات لشکر کفر، امارت و دولتشان فرو می‌ریزد لذا نام‌گذاری چنین جماعت‌های ضعیف به دولت باعث ایجاد یأس و ناامیدی در مسلمانان شده و حتی موجب نفرت و کینه آنها از دولت اسلامی را به همراه می‌آورد.... از این رو بهترین تصمیم در این مرحله عموماً به کارگیری روش جنگ چریکی و

عدم گسترش آن در زمین قبل از رسیدن موعدش است و اینکه جهت جنگ بسوی سپاه کفر که به اراضی مسلمانان تجاوز کرده‌اند متمرکز شود و نیروها در جهت براندازی نظام بین‌الملل با وارد کردن ضربات به سر مار افعی (آمریکا) صرف شود تا با شکست آن، نظام جاهلیت بین الملل به فروپاشی برسد تا حقیرانه و خوار از جهان اسلام رخت خود را ببندد و برود و این راه آزاد کردن است و برگرداندن سروری حقیقی به اسلام و مسلمانان و برپا نمودن خلافت قدرتمند اسلامی بر منهج نبوت است.

13- معتقد هستیم که تعصب به گروه‌ها و جماعت‌ها و مبالغه در مورد شخصیت‌ها و نام‌ها و برخی شعارها که هیچ دلیلی از سوی خداوند برای آنها نیست، بیماری علاج ناپذیری است که می‌تواند در بدن یک جماعت جهادی نفوذ کند و جماعتی که این بیماری را در بدن خود دارد بیش از اصلاح، فساد می‌کند. از این رو به برادران مجاهد خود توصیه می‌کنیم تا از این بیماری کشنده دوری کنند و آنها را به سوی اخلاص برای خداوند تشویق می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم تا رابطه ی دوستی ایمانیشان بر اساس- لا إله إلا الله – باشد و حقیقت هرکجا باشد در آنجا باشند و با کسانی نباشند که از حزب و اعضا و امیرانشان در حق و باطل طرفداری می‌کنند. و موضوعی که مارا ناراحت می‌کند این است که برخی از ما در تکرار کردن شعارهایی که عموم پیروان این گروه‌های منفور از آنها استفاده می‌نماید غلو می‌کنند ونگران هستیم که شعار « باقیة» ناخواسته بعنوان یکی از اصول اعتقادیشان قرار بگیرد و درحالیکه می‌دانیم بقاء، ویژه الله سبحانه و تعالی است وهمه جماعات و دولت‌ها فانی هستند ودیر یا زود ازبین خواهند رفت ...وهمچنین نگران مبالغه ی برخی از برادرانمان در مورد وابستگی و تعلق به امیرشان هستیم! زیرا سخنانی از آنان صادر شده که بیانگر مفاهیم معینی است که در قلب‌ها رسوخ پیدا کرده وعاقبت خوشی ندارد که از این مبالغه‌ها به خدا پناه می‌بریم.

14- معتقد هستیم که جهاد تنها عبادتی است که امت را با تمام طیف‌هایش اعم از صالح و ناصالح را بر اهداف کلان شریعت جمع نموده و آنها را در چهارچوب کلمه توحید یک پارچه می‌کند و از تفرقه و دسته دسته شدن و درگیری‌های فرعی و گروه‌های جاهلیت و سایر موارد تفرقه افکن نجاتشان می‌دهد و تیرهایشان را بسوی دشمنان حقیقی‌شان که در همه عرصه‌ها وسطوح نظامی، عقیدتی، فکری، سیاسی و اجتماعی با مسلمانان می‌جنگند، نشانه‌گیری می‌کند. و آنان نیرویشان را صرف یکدیگر نمی‌کنند؛ از این رو مجاهدان را از انتقال دادن اختلافات علمی و اجتهادی که در بین علمای اهل سنت وجود دارد به میادین جهاد به شدت برحذر می‌داریم و هشدار می‌دهیم که در میادین جهاد موارد اختلافی و حزب گرایی را مطرح نکرده و بسوی آنها دعوت ندهند و از انحصارگرایی بپرهیزند زیرا این موارد باعث تفرقه و جدایی در صف مجاهدان می‌شود. و آنها را از اهداف مهمتر که حفظ مرزهای اسلام است باز می‌دارد که این امر هیبت مجاهدان را از بین می‌برد و کفار و مرتدان را برآنها مسلط می‌کند. و درنتیجه خون مسلمانان ریخته شده وناموس و اموالشان به تاراج برده می‌شود و مساجد وحلقات علمی آنان تخریب می‌شود.

15- معتقد هستیم که پیروی کردن از امیران درموارد مشروع، ستونِ چادر جهاد است! وجهاد جز باجماعت محقق نمی‌شود و جماعت جز با اطاعت و پیروی کردن از امیرتشکیل نمی‌شود و معتقد هستیم که پیروی کردن از امیران در امور مشروع پیروی کردن از الله متعال و پیامبرش صلی الله علیه وسلم است و عبادتی است که با آن به خداوند متعال نزدیک می‌شویم و هیچ ارتشی پیروز نمی‌شود مگر اینکه متحد باشند! و هیچ چیز همانند یک واحد منسجم نمی‌تواند کمر دشمن را بشکند و این اتحاد محقق نمی‌شود مگر با حضور امیری که در رأس آن، اطاعت از او در همه شرایط اعم از خوشی و ناخوشی وسختی و راحتی موجود باشد، از این‌رو خودمان

وبرادرانمان را از گناه ومعصیت نافرمانی از امیر برحذر می‌داریم. زیرا چه بسا شیطان مجاهدی رافریب می‌دهد و در نظرش چنین آراسته می‌کند که مخالفت با امیر مصلحت‌های بیم‌شمار و سروری زوال ناپذیر به دنبال دارد اما همگی باید بدانیم که هیچ خیری در حرکت گناه آلود مجاهد نیست....زیرا دین، با تخریب دین برپا و آباد نمی‌شود!

16- معتقد هستیم که امیرالمومنین ملامحمدعمر-رحمه الله- امیر ما و تاج سر و روشنی چشم ما بود و است. و خداوند حسن ظن ما را درمورد ایشان تصدیق کرد. زیرا ایشان دارایی خود را در دفاع از- لااله الاالله- فدا کرد و ایشان و برادرانش در امارت اسلامی افغانستان درمواجهه با شدیدترین حمله صلیبی که تاریخ به خود دیده است پایداری ورزیدند و هرگز کوتاه نیامدند و تغییر نیافتند و سازش و معامله نکردند؛ بلکه جهاد و مبارزه‌شان را جهت بیرون راندن کفار از سرزمینشان و جهت برپا کردن شریعت خداوند بر روی زمین ادامه دادند تا اینکه نزدیک دروازه‌های پیروزی شدند و آن بندگان نیک خداوند کماکان در مسیر نیک جهاد حرکت می‌کردند تا که خداوند آنها را نصرت داد و با قدرت و اقتدار آنها را به کابل بازگرداند و خداوند جهت نصرت دینش به آنها توفیق امارت داد؛ و ما معتقد هستیم که امارت اسلامی در افغانستان بر گردن همه مجاهدان حق دارد و برخی از عوامل شرعی و اجتماعی و طبیعی موجود در آنجا شایستگی رهبری امت را به آنان می‌دهد از این رو همه مسلمانان را دعوت می‌کنیم تا پیرامون آن جمع شوند و با آنان بیعت کنند و با گفتار و عمل خود آنان را نصرت دهند و از عملکرد هرکس که می‌خواهد با ایجاد شک و تردید در صحت و منهجشان و زیر سؤال بردن آن، وحدت مسلمانان را خدشه دار کند و یا با اعلام امیر جدید در مقابلشان بایستد به خدا پناه می‌بریم واز او بیزاری می‌جوییم! ما آنها را معصوم نمی‌دانیم زیرا آنها انسان هستند و دچار خطا و اشتباه می‌شوند. اما برما واجب است تا هنگام اشتباه، بارعایت آداب نصیحت و حسن ظن به آنها،

حمل نمودن گفتار و عملکردهایشان به بهترین احتمال، آنها را نصیحت نماییم زیرا درگذشته خدمات و فداکاری‌های زیادی برای دین انجام داده بودند از این‌رو از خداوند می‌خواهیم مقام آنها را در دنیا و آخرت رفیع بگرداند. اما چیزی که در روزهای اخیر قلب ما را به درد آورده است قیل و قال‌هایی در راستای منهج امارت اسلامی، دعوت‌هایی در راستای شکستن بیعت با امیرالمومنین ملامحمد عمرمجاهد- رحمه الله- و بیعت کردن با امیران جدید در مقابل او بود و ما شاهد بودیم که برخی با کنایه و اشاره به بیعت شکنی دعوت می‌دادند و برخی به صراحت این کار را می‌کردند و با امیران جدید بیعت می‌کردند و انا لله و انا الیه راجعون.

17)معتقد هستیم که جهاد باید با تزکیه نفس و اخلاق خوب و قلب صالح همراه باشد وخداوند متعال در قرآن کریم بسیار به ما امر نموده است که هنگام مقابله با دشمن، زیاد خداوند متعال را ذکر کنیم و حکمت آن، نرم شدن قلب‌ها است! زیرامشغول شدن به جهاد و کشت و کشتار و زندگی در وسط جمجمه‌ها و تکه‌های بدن چه بسا قلب را سخت کند و قساوت قلب، بیماری خطرناکی است که امراض بیشماری را تولید می‌کند که منجر به هلاکت فرد می‌شود و هر حرکت جهادی که به تربیت مجاهدان و تزکیه نفسشان اهمیت ندهد درحقیقت، سوختِ اساسی و توشه لازم برای تکمیل مسیرش در راستای پیروزی دنیوی و سعادت اخروی را از دست داده است. و درمان بیماری‌های معنوی قلب عبارتند از: توبه و رجوع بسوی خداوند، تلاوت بیشتر قرآن، اهمیت دادن به نمازهای فرض و سنت، صدقه دادن و کوشیدن در راه خدمت به دین، زیاد استغفار کردن و دعا نمودن، کمک کردن به فقیران و همنشینی باآنان، خدمت کردن به برادران وهمسایگان وشاد کردن مسلمانان و اطاعت از پدر و مادر و مطالعه ی کتاب‌های تزکیه و کتاب‌هایی که در خصوص حوادث روز قیامت و تشویق به بهشت تألیف شده‌اند- خداوند ما و شما را جزو بهشتیان قرار دهد- وهمچنین مطالعه ی کتاب‌هایی که در خصوص هشدار از

دوزخ نوشته شده‌اند–خداوند میان ما و دوزخ فاصله بیندازد– همانطور که میان شرق و غرب فاصله انداخته است– آمین

برادران مجاهدم؛

مطالب فوق برخی از ویژگی‌های بارز رسالت ما هستند که از زبان مشایخ جهادی و رهبران و علمایشان درک و فهم و دریافت کرده‌ایم وبار دیگر به صورت مختصر و معین آنها را بیان می‌کنیم:

1) گستراندن بال‌های شفقت و رحمت بر امت مسلمان و همبستگی با آنان و تلاش برای کسب پشتیبانی آنها بعد از کسب پشتیبانی الله سبحانه و تعالی.

2) برحذر بودن از افراط در تکفیر (وهمچنین کوتاهی) در مسائل تکفیر.

3) قدرشناسی علما و احترام گذاشتن به آنان در راستای پر کردن شکاف تفرقه بین طایفه علما و مجاهدین.

4) اهمیت دادن به خون مسلمانان و بر حذر بودن از ریخته شدن آن براساس توجیهات بی‌اساس.

5) رعایت کردن و در نظر گرفتن اوضاع سخت و اسفناکی که امت درآن زندگی می‌کند و خوش‌رفتاری با آنها و حرکت تدریجی با آن در راستای دعوت بسوی خداوند.

6) یکپارچه کردن امت حُول مسائل اصلی، که در رأس آن، مبارزه با آمریکا و یهود قرار دارد.

7) فقه اهمیت عملکرد دعوی و ارتباط محکم آن با عمل جهادی.

8) تأکید بر ضرورت دانستن فقه سیاست شرعی برای مجاهدان.

9) آراستگی به ادب اختلاف.

10) پایبند بودن به احکام شرعی در داخل صفوف مجاهدان و سعی در نشر آن در جامعه ی خارج از آن.

11) چنگ زدن به اصل شورا در انتخاب حاکم واجد شرایط و عدم تخلف با این اصل.

12) عجله نکردن به اعلام دولت و امارت قبل از مهیا شدن اصول و پایه‌های ضروری آن، قبل از حصول اقتدار کافی.

13) برحذر بودن از تعصبات حزب گرایی و عدم مبالغه در مورد شخصیت‌ها.

14) برحذر بودن از انتقال اختلاف اجتهادی و علمی رایج در بین علمای اهل سنت به میادین جهاد.

15) پایبند بودن به اطاعت از امیران در موارد مشروع.

16) اجتماع پیرامون امارت اسلامی در افغانستان و نصرت دادن آن با قول و عمل.

17) اهمیت دادن به تزکیه نفس و اصلاح قلب‌ها.

موارد فوق، برخی از جوانب مهم منهج ما هستند- وهدف ما احاطه داشتن به همه آنها نیست- لذا هیچ کسی حق ندارد با منهجی جدید و منحرف خروج کند و بخواهد ما را از این منهج پاک و بی‌آلایش منصرف کند و هیچ کسی نمی‌تواند باعقل و اندیشه ما بازی کند و بگوید که

منهج مشایخ ما دستخوش تغییر و انحراف شده است....نه والله! سوگند به خدا چنین نیست! منهج ما همین بوده و تغییر نکرده است و از خداوند می‌خواهیم تا ما را بر آن ثابت قدم کند.

آری؛ ما به ناتوانی و کوتاهی خودمان اعتراف می‌کنیم و می‌دانیم که احتمال دارد در حکمی از احکام شرع یا اجرای آن در شرایط کنونی اشتباه کرده باشیم علیرغم اینکه شریعت خداوند کامل و شامل و عاری از هرگونه نقص و کوتاهی است ازاین رو معتقد هستیم که درب نصیحت باز است و اگر کسی مارا بادلایل شرعی راهنمایی کند تا از اشتباهاتمان برگردیم سپاسگذار می‌شویم ولاحول ولاقوۀ الا بالله.

ودر پایان توجه برادران مجاهدم در همه جای دنیا و خصوصا برادران مجاهدم در جماعت القاعده و برادران مجاهد در سوریه را به تفکر و تأمل در حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم که ابوموسی الاشعری رضی الله عنه روایت کرده است، جلب می‌کنم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « لَيْسَ أَحَدٌ أَصْبَرَ عَلَى أَذًى سمعهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ،انهم لیَدْعُونَ لَهُ ولداً و یجعلون له نِدًّا و إنه لیعافیهم و یدفع عنهم يَرْزُقُهُمْ وَ يُعطيهم » یعنی(هیچ کس در مقابل شنیدن سخنان آزار دهنده، شکیباتر از الله تعالی نیست زیرا آنها فرزند به او نسبت می‌دهند وبرایش شریک قرار می‌دهند، اما او آنها را –از بلا و بیماری–نجات و شفا می‌دهد و مصیبت‌ها را ازآنها دفع می‌کند و به آنها روزی می‌دهد و نعمت عنایت می‌کند)

دوستان عزیز

در ایام اخیر ناسزاها، اتهامات، آزار و اذیت‌ها، گستاخی و ناحقی‌هایی که حق بزرگان انجام دادند را شنیدید که قلب را مجروح و دل را خونین می‌کند اما از شما می‌خواهم تا با – پیشه کردن صبر– پاداش آن را نزد خداوند متعال بجویید و خود را به اخلاق خداوندی آراسته کنید

و صبور و شکیبا باشید و بدی‌ها را با خوبی‌ها جواب دهید و ظلم را با عدل پاسخ بگویید و هرگز فتنه و امنیت را با هم یکسان ندانید و برحق و حقیقت ثابت قدم باشید زیرا ظلم و فتنه‌ها هنانند کف روی آب هستند و به زودی دور انداخته می‌شوند!

خودم و شما را دعوت می‌کنم تا با تراوش خیر از خودمان...خنکی سایه‌مان...شیرینی میوه‌مان و زیبایی‌مان......همانند زنبورعسل یا درخت خرما(نخل) باشیم! خداوند به من و شما توفیق دهد تا اینچنین باشیم . آمین .

واگر خداوند عمر داد و توفیق عطا نمود –ان شاءالله– در مقالات آتی هر یک از محورهای مذکور را مورد شرح و توضیح قرارخواهیم داد و خداوند توفیق دهنده در کارهای خیر است.

وصلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه و سلم